

## منافقین هیچ‌گاه از تنگه‌های چهارزبر عبور نمی‌کنند...

این روزها سالروز شکست سازمان منافقین در عملیات مرصاد است؛ عملیاتی که بعد از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، توسط جمهوری اسلامی ایران، سازمان مجاهدین خلق با ارزیابی اوضاع جبهه‌ها و با اندیشه‌آسیب‌پذیری نظامی ایران و همچنین بر اساس برداشت خاص خود، از شرایط داخلی و بین‌المللی این کشور، درصدد براندازی این نظام برآمد و با این هدف، این عملیات را با نام فروغ جاویدان پی‌ریزی کرده و به اجرا گذارد. این سازمان با بکارگیری تمام قوای نظامی خود، در قالب ۳۳ تیپ، به مرزهای جمهوری اسلامی هجوم آورد و تا ۲۵ کیلومتری کرمانشاه پیش رفت. در این عملیات، بیش از ۴۵۰۰ تن از نیروهای سازمان به هلاکت رسیدند و حدود ۱۲۰۰ تن نیز با تحمل جراحات‌های فراوان، به داخل خاک عراق گریختند. شدت حملات نیروهای سپاه ارتش، به‌ویژه هوانیروز که فرماندهی آن را سپهبد شهید علی صیاد شیرازی عهده‌دار بود، حدفاصل تنگه چهارزبر تا اسلام‌آباد، مملو از خودروها، جنگ‌افزارها و اجساد سوخته متجاوزان منافق شد.

با بررسی زمینه عملیات فروغ جاویدان (مرصاد) می‌توان به این مؤلفه پی برد که سازمان منافقین یک تحلیل کاملاً غیرواقع‌بینانه و متوهمانه از داخل ایران داشته است که منجر به این اقدام شد. تحلیل‌هایی که اگر از بستر تاریخ جدایشان کنیم همچنان در ساختار منافقین زنده است و موجب شکست‌های متمادی از ملت ایران می‌شود. این تحلیل چند شاخصه دارد که در ذیل با آن مرور می‌کنیم:

**شناخت غلط سیاسی:** تصور و تحلیل نادرست گروهک تروریستی منافقین از اوضاع سیاسی نظامی ایران بر این بود که پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی ایران، با توجه به برتری نظامی نیروهای عراقی و موفقیت نیروهای عراقی در بعضی از جبهه‌ها، نشان از ضعف و عقب‌نشینی رزمندگان اسلام و سرخوردگی مردم از جنگ و جدایی مردم از دولت می‌باشد. آنان بر این اعتقاد بودند که پذیرش قطع‌نامه از سوی ایران امری غیرممکن می‌باشد و تنها در صورتی جمهوری اسلامی قطع‌نامه را خواهد پذیرفت که به لحاظ سیاسی - نظامی و اقتصادی به بن‌بست کامل برسد. به عقیده آنان اقدام به پذیرش قطع‌نامه از سوی ایران به‌منزله فروپاشی نظام خواهد بود و با سرنگونی قطعی حکومت ایران، زمینه برای انتقال قدرت به سازمان آنان فراهم خواهد شد. با توجه به این تحلیل و با توجه به وضعیت پدید آمده در جنگ (برتری نظامی عراق در بعضی از محورها)، منافقین فرصت را غنیمت شمرده و برای تحقق اهداف خود عملیاتی را که برای شهریور ۶۷ پیش‌بینی کرده بودند را، دو ماه جلو انداخته و اواخر تیرماه و اوایل مرداد ۱۳۶۷ با یورش به مرزهای غربی عملیات خود را آغاز کردند.

در فوق بخشی از تحلیل سیاسی که آغازگر عملیات فروغ جاویدان بود را مشاهده کردیم. به نظر می‌رسد منافقین هیچ‌گاه از تاریخ جهالت خود خارج نشده‌اند زیرا مؤلفه‌هایی چون به بن‌بست رسیدن نظام جمهوری اسلامی ایران، بی‌اعتمادی و تقابل ملت با دولت، کاهش مقبولیت و مشروعیت پایه ثابت تحلیل‌های چهل‌ساله سازمان تروریستی منافقین است که آنان را به ورطه نابودی کشانده است. در حقیقت برای اثبات تحلیل‌های غلط سیاسی سازمان منافقین نیاز نیست به شرایط داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی اشاره کرد، تنها اشاره به وضعیت داخلی منافقین کمترین مؤید این مسئله است. ثمره این تحلیل‌های غلط موجب آشفتگی و نابسامانی داخلی منافقین شده است. ناامیدی و اعتراضات گسترده اعضای سازمان منافقین به عدم اقبال در مقابل جمهوری اسلامی، موجب شده است که مریم رجوی با شرایط شکننده‌ای در پایگاه اشرف ۳ مواجه شود. تاریخ انقضای بهمن داغ و انقلابی که وعده‌اش را داده بود به اتمام رسید و دیگر پیام‌های پی‌درپی مسعود رجوی برای ایجاد تعهدی جدید برای اعضای سازمان کارساز نیست.

**رهبر تمامیت‌خواه و منفعت‌طلب:** گروهک تروریستی منافقین در گذر زمان علاوه بر حفظ ساختار گذشته، بافت فرقه‌ای پیدا کرد. بر همین اساس، ساختارش از یک قاعده و رأس هرم شکل گرفت. رأس هرم عالی‌ترین جایگاه در یک فرقه است که خود را بی‌نیاز از مشورت می‌بیند و بر اساس فکر یا تمایلات خود تصمیم می‌گیرد. بندهای این هرم نیز تا ذیل آن یعنی قاعده، مجبور به تبعیت سلسله‌مراتبی از مافوق خود هستند که درنهایت به رأس هرم می‌رسد. مقدس بودن، عقل کل بودن، بدون اشتباه بودن، آینده‌نگر بودن تصوراتی است که اعضای فرقه از رهبر دارند و به عبارت بهتر تصوراتی است که به اذهان اعضا غالب کرده‌اند اما خودبزرگ‌بینی، انحصارطلبی، قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی مشخصه بارز رهبران این فرق است که سازمان منافقین هم از این امر مستثنی نبوده است.

در اتخاذ تصمیمات سازمان، به‌ویژه درباره انجام عملیات فروغ جاویدان، ویژگی‌های فردی و شخصیت روانی رجوی بسیار مؤثر و قابل‌توجه بود، از آنجاکه مشخصه‌های رفتاری هر فردی، نشان‌دهنده اعتقادات و نیز ویژگی‌های درونی وی می‌باشد، از این‌رو شخصیت رجوی نیز تصویری از شاکله اصلی سازمان را ارائه می‌کند. بررسی ویژگی‌های شخصیتی این فرد، مدخل مناسبی برای ارزیابی چگونگی تصمیم‌گیری سازمان در این عملیات است. بررسی‌ها و اعترافات نزدیکان رجوی، نشان می‌دهد که وی از خصوصیات روحی روانی زیر برخوردار است: خودبزرگ‌بینی، انحصارطلبی، قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی. این ویژگی‌های شخصیتی رجوی با توجه به این‌که سازمان ماهیتی پلیسی و مخفی داشت، در لایه‌های تشکیلاتی، پنهان مانده و تصمیمات فردی رهبر سازمان، به شکل تشکیلاتی و جمعی بیان می‌شود. به همین دلیل، هیچ‌گاه خطاهای فردی رجوی به

حساب او نوشته نمی‌شد و شخصیت روانی وی، پشت لایه‌های تشکیلاتی پنهان می‌ماند. تصمیم به انجام عملیات فروغ جاویدان، از جمله تصمیمات رجوی بود که عملاً سازمان را به سوی انجام یک عملیات انتحاری کشاند.

غیر عقلایی بودن تصمیمات رهبر در همان برهه شکست در عملیات مرصاد برای اعضای سازمان مبرهن شد و تقدس رهبر ایدئولوژیک در افکار اعضا شکست. همگان متوجه شدند که اسیر خواست خودخواهانه و قدرت‌طلبانه مسعود رجوی شده‌اند و جان آن‌ها هیچ‌گاه برای رهبر اهمیت نداشته است. رسوب این مسئله در افکار بدنه سازمان منافقین به حدی رسیده است که مریم رجوی، سرکرده فعلی گروهک تروریستی تلاش بسیاری می‌نماید تا مؤلفه‌های رهبر فرقه بودن را حفظ کند اما شیشه رهبری ترک برداشته است و تنها با چند تلنگر فرو خواهد ریخت. در حقیقت سخنان و دیدگاه‌های مریم رجوی را باید تداوم میراث نامعقولانه و متوهمانه مسعود رجوی خواند که امروزه منتهای اثرش از لایه اول شورای رهبری عبور نمی‌کند. شوهای تبلیغاتی و صرف هزینه‌های گزاف برای حفظ ظاهر و پوسته رهبری دیگر برای سازمان منافقین کارساز نیست.

**پایگاه خودخوانده مردمی:** یکی از مؤلفه‌هایی که همواره سازمان منافقین نسبت به آن دچار چالش بوده است، حمایت و پایگاه مردمی است. ملت، مردم، خلق از واژه‌هایی است که در سخنان، مقالات و یادداشت‌های سازمان تروریستی منافقین به وفور یافت می‌شود ولی خود بهتر می‌دانند که این واژه کاملاً با قاموس این گروهک نامأنوس است. سازمان منافقین در عملیات فروغ جاویدان روی مردم حساب ویژه باز کرده بودند که در برخی توجیهات عملیات مسعود رجوی مشخص است:

«... نظام قدرت بسیج مردمی را ازدست‌داده، مردم از جمهوری اسلامی خسته شده‌اند و منتظر ما هستند... اگر دست‌به‌کار نشویم، شرایط سیاسی قفل خواهد شد و در آینده، هرگز موفق به انجام عملیات بزرگ نخواهیم شد... پس باید سریع حرکت کرد و ضربه نهایی را بر فرق رژیم فرود آورد و... به محض ورود به خاک ایران مردم بهمن وار به شما خواهند پیوست و کار را ادامه خواهند داد...»

منافقین بر اساس همین تئوری یک برنامه زمان‌بندی شده ۳۳ ساعته با همراهی مردم قصد فتح تهران را داشتند. ابتدای امر باید گفت مردم هیچ‌گاه در برنامه‌های سازمان منافقین جایگاهی نداشته و ندارند. گروهک تروریستی منافقین اگر مردم را همراه خود می‌دید پس جنایت بیمارستان امام خمینی اسلام‌آباد از جنس چه بود؟ مگر آنها همان مردمی نبودند که در توجیهات عملیاتی از آنها نام برده می‌شد؟ ۱۷ هزار شهید ترور از جنس مردم همواره بر کارنامه ننگین منافقین پیوست شده است. در ثانی در بسیاری از گزارش‌هایی که اعضای سازمان از درون عملیات ارائه داده‌اند مشخص است که هسته‌های مقاومت خودجوش مردمی در کنار سپاه و ارتش عامل شکست

منافقین شده است. این داستان تا به امروز در جریان است. مردم در تئوری سازمانی هیچ‌گاه نقشی در آمال و رؤیاهای سیاسی منافقین نداشته‌اند. اگر بخواهیم تعریف درستی از مردم در دیدگاه منافقین بدهیم باید به یکی از بیانیه‌های مسعود رجوی اشاره کرد که مردم را ارتش گرسنگان خطاب کرد و امیدوار بود که مشکلات اقتصادی، مردم را به منافقین متمایل کند که آن‌هم نشد. علاوه بر این نقش و مشارکت مردمی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، حوادث طبیعی دقیقه رفتاری است که مخالف استراتژی‌های منافقین است. اگر بخواهیم واقعیت و نهایت پایگاه مردمی منافقین را در میان مردم ایران نشان دهیم همان یک جمله‌ای که اخیراً در همزمانی با گردهمایی سالانه نفاق در توئیت‌تر ترند جهانی شد، کفایت می‌کند: **#مریم رجوی... خورد.**

سازمان منافقین نه تنها در میان مردم ایران در داخل کشور مورد نفرت شدید است بلکه در میان معاندین و مخالفین جمهوری اسلامی هم هیچ جایگاه ندارد. پخش زنده مراسم منافقین در شبکه ایران اینترنشنال و هجمه بسیاری از مخاطبین خارج نشین این شبکه، عیار مقبولیت گروهک تروریستی را نشان داد. در نوع خود جالب است که بسیاری از معاندین و مخالفین جمهوری اسلامی ایران حتی ابا دارند که نامشان هم‌ردیف این سازمان تروریستی برده شود.

**آلترناتیو بودن یا ابزاری بودن منافقین:** یکی از مؤلفه‌هایی که در همواره سازمان منافقین را دچار شکست می‌کند و بسیار در شکست عملیات فروغ جاویدان مشهود است، تصور غلط از جایگاه سازمان تروریستی منافقین در معادلات و تحولات است. سازمان منافقین به غلط از خود یک تصویر آلترناتیو و یا یک گروه سازمان‌یافته که توانایی مدیریت کشوری را می‌تواند بر عهده گیرد ساخته است درحالی‌که در تاریخ همکاری و خیانت سازمان منافقین با دشمنان ملت ایران، همواره این گروه به‌عنوان یک ابزار و آلت توطئه شناخته شده است نه بیشتر.

مسعود رجوی در توجیه عملیات فروغ جاویدان، انجام این عملیات را در اشل و جایگاه یک ابرقدرت می‌داند که توسط مجاهدین انجام می‌گیرد. از طرف دیگر در تمام مراحل انجام عملیات به پشتیبانی صدام یقین دارد و آن را فاکتور مهمی در پیروزی محتوم خود می‌داند. در حقیقت آن قدر مسعود رجوی برای صدام و دستگاه نظامی و امنیتی بعث وطن‌فروشی کرده است و برای آنان جاسوسی کرده است که به حمایت بی‌چون و چرای صدام اطمینان دارد. هرچند اعطای تجهیزات نظامی، تغییرات تاکتیکی در حملات به جبهه جنوب توسط صدام و حمایت اولیه از شروع عملیات فروغ جاویدان در تاریخ ثبت شده است اما قطع این حمایت‌ها و عدم پشتیبانی هوایی در حین عملیات یکی از فاکتورهایی که از منظر اعضای منافقین عامل شکست عملیات بود.

محمدرضا اسکندری یکی از اعضا وقت سازمان مجاهدین خلق در خاطرات خود در این باره می‌گوید: «وقتی که سازمان مجاهدین در تنگه چهارزبر مورد محاصره شدید رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت، دیگر کسی به کمک نشتافت. فرماندهان رجوی که در صحنه بودند مرتباً تقاضای آتش پشتیبانی هوایی می‌کردند، اما از آتش پشتیبانی هیچ خبری نشد. از طرف دیگر نیروهای سازمان مجاهدین دیده‌بان هم نداشتند. صحنه جنگ آن قدر بی‌حساب و کتاب بود که نیروهای هوایی عراق به جای بمباران کردن چهارزبر، اشتباهاً بمب‌ها را بر سر هواداران سازمان مجاهدین فروریختند. پس از این اقدام اشتباهی توسط نیروی هوایی عراق، دیگر خبری از پشتیبانی هوایی آن‌ها نشد».

این تنها یکی از شاهد مثال‌هایی از ابزاری بودن منافقین برای دشمنان ملت ایران است که در عملیات مرصاد مشخص شد. سازمان منافقین همانند عروسی است که در میان دامادها دست‌به‌دست می‌شود و همواره تاریخ‌مصرف داشته است. سازمان منافقین در حکم دستمال یک‌بارمصرف برای دولت‌ها و سرویس‌های جاسوسی معاند جمهوری اسلامی است که با اتمام کارکرد آن به سطل زباله پرتاب خواهد شد. در تداوم مسئله ابزاری بودن منافقین اسناد زیادی درباره حمایت‌های امریکا، عربستان، رژیم صهیونیستی و دیگر دولت‌های غربی از این گروه تروریستی و بهره‌برداری از آن برای اهداف مداخله‌جویانه منتشر شده است. وقایع تروریستی پس از انقلاب در ایران نشان می‌دهد سرویس‌های جاسوسی برای رسیدن به اهداف خود بارها از این گروه تروریستی استفاده ابزاری کرده است.

شناخت غلط سیاسی از شرایط نظام جمهوری اسلامی ایران، تفکرات فرقه‌گرایانه و انحصارطلبانه رهبر سازمان، تصور غلط از جایگاه سازمان منافقین در مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران و فقدان پایگاه و مقبولیت ملی تعدادی از مؤلفه‌هایی است که باعث می‌شود منافقین هیچ‌گاه نتوانند از تنگه‌های چهارزبر عبور کنند و همواره از ملت ایران سیلی بخورند.